



تفسیر آیات مشکل

درس ۱

پیش‌گفتار و مفهوم‌شناسی آیات مشکل در قرآن

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد



مقدمه

با نزول قرآن مجید و مورد خطاب قرار گرفتن مخاطبین آن، مشکلی چندانی در فهم آیات وجود نداشت؛ اما رفته-رفته فهم برخی از تعبیرات قرآنی برای گروهی مشکل بود و از طرفی با شبهه افکنی‌های مخالفان اسلام، روزبه‌روز بر دایره آن افزوده می‌شد. از این رو این آیات به سبب دوری از عصر نزول قرآن «آیات مشکله» نام گرفت. در این درس بعد از بیان مراد و منظور از این قبیل آیات به معیارها و ویژگی‌های اساسی آیات مشکله قرآن می‌پردازیم و شیوه‌های فهم آیات قرآنی را درباره این دسته از آیات بیان می‌کنیم. انتظار می‌رود دانش‌پژوه پس از آشنایی با مفهوم آیات مشکله از شیوه‌های فهم آیات قرآنی بهره بجوید و با تدبیر، راه فهم صحیح آیات را بر خود هموار کند.

محتوای آموزشی

پیش‌گفتار

در عصر نزول قرآن کریم، مخاطبان آن چندان مشکلی در فهم آیات نداشتند؛ لذا روایات اندکی داریم که صحابه درباره یک آیه از پیامبر پرسیده باشند. آن روایات اندک هم بیش‌تر پرسش از مصداق یک عبارت با یک کلمه بود، مانند پرسش از مصداق «القربی» در آیه: *إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى* (شوری/۲۳)، «قوم» در آیه: *وَيَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ* (محمد/۳۸)، «طوبی» در آیه: *طُوبَى لَهُمْ* (رعد/۲۹)، «بیوت» در آیه: *فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ* (نور/۳۶) و مانند آن‌ها. پرسش از مفهوم یک آیه و یا یک حقیقت قرآنی بسیار اندک بوده یا به دست ما نرسیده است و تنها چند مورد را می‌توان یافت، از جمله:

پرسش از مفهوم «شرح صدر» در آیه: *فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ* (انعام/۱۳۵) که حضرت فرمود: نور یقذف الله فی قلب المؤمن فیشرح صدره^۱ یا پرسش درباره آیه: *الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ* (انعام/۸۳) که فرمود: منظور از ظلم در این جا شرک است و این آیه را خواند: *إِنَّ الشِّرْكََ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ*^۲. یا پرسش عمر از مفهوم کلاله^۳ در آیه: *قُلِ اللَّهُ يُقْتِكُمْ فِي الْكَلَالَةِ* (نساء/۱۷۶) و چند مورد دیگر.

اگر فهم آیات برای صحابه چندان مشکل نبود، در قرون بعدی، فهم برخی از تعبیرات قرآنی برای گروهی مشکل بود و با شبهه‌افکنی‌های مخالفان اسلام، روزبه‌روز بر دایره آن افزوده می‌شد؛ لذا می‌بینیم دانشمندان اسلامی علاوه بر تألیف

۱. مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۵۶۱.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۱.

کتاب‌های تفسیری، برای حل این مشکلات اقدام به نگارش کتاب‌های مستقلی کردند و در آن‌ها کنایه‌ها و استعاره‌ها و معانی مجازی را در قرآن توضیح دادند. این کتاب‌ها تحت عنوان‌های معانی القرآن، مجازات القرآن، غریب القرآن، مشکل-القرآن، متشابه القرآن و مانند آن‌ها نگاشته شد، که از آن جمله می‌توان از تلخیص البیان فی مجازات القرآن از سید رضی و تأویل مشکل القرآن از ابن قتیبه نام برد.

امروز برای ما هم درک مفهوم برخی از آیات که حجم قابل ملاحظه‌ای دارند، مشکل می‌نماید و برای فهم درست آن‌ها احتیاج به تحقیق و بررسی و تدبر داریم. پیدایش این حالت، عوامل گوناگونی دارد که از جمله می‌توان از عوامل زیر یاد کرد:

۱. دوری از عصر نزول قرآن. بدون شک دوری از عصر صدور یک متن و شرایط زمانی و مکانی صدور آن، دشواری‌هایی را برای نسل‌های بعدی در جهت فهم درست آن به وجود می‌آورد. البته قرآن کریم از این قاعده مستثنی است و هرچند که فاصله زمانی طولانی به مدت بیش از چهارده قرن میان ما و عصر نزول وجود دارد، ولی چون قرآن همواره و در طول نسل‌ها و قرن‌ها مورد توجه دقیق بوده و در جامعه حضوری مستمر داشته است، آن را در این جهت متمایز می‌سازد. در عین حال این موضوع را نباید از نظر دور داشت.

۲. بالا رفتن سطح اندیشه‌ها. امروز علم پیشرفت کرده و سطح فکر مردم بالا رفته و می‌خواهند همه چیز را با دلیل بدانند و در هر مورد پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند که در گذشته به خصوص در زمان نزول قرآن مطرح نمی‌شد.

۳. تغییر ارزش‌ها. در سابق و در عصر نزول قرآن، موضوعاتی بود که آن را نه تنها بد نمی‌دانستند، بلکه به آن افتخار می‌کردند، ولی امروز همان موضوعات مورد قبول جامعه به خصوص غربی‌ها نیست. مثلاً در عصر نزول قرآن فرهنگ جامعه درباره زن‌ها به گونه‌ای بود که آیه قرآنی که *وَ الْأَلَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ* برای آن‌ها هیچ مشکلی نداشت و مسأله نبود، ولی امروز با تغییر ارزش‌ها و پیدایش دیدگاهی که درباره زن‌ها به خصوص در غرب و به ویژه میان طرفداران فمینیسم و نیز در میان روشنفکران جوامع اسلامی به وجود آمده، جمله «واضربوهن» سؤال برانگیز شده است تا جایی که بعضی از علمای معاصر توجیهاتی برای آن گفته‌اند که قطعاً منظور قرآن نیست، مانند این که اضربوهن به معنای مسافرت بردن آن‌هاست، از باب (الضرب فی الارض). یا آیه یا احادیثی که درباره احترام و کرامت زن وارد شده، نسخ شده است!

بنابراین، ما اکنون در فهم درست معنای برخی از آیات، نیاز به تحقیق و بررسی و تدبر بیش‌تری داریم.

منظور از آیات مشکل چیست؟

برای آیات مشکل نمی‌توان تعریف خاصی را ارائه کرد. ممکن است آیه‌ای برای کسی مشکل به نظر آید، ولی همان آیه برای کس دیگری چنین نباشد، همان‌گونه که به نظر ما آیات متشابه هم این حالت را دارد و نسبی است. البته آیات مشکل الزاماً همان آیات متشابه نیست و ممکن است آیه‌ای از محکّمات باشد، ولی پرسش‌هایی درباره آن مطرح شود که نیاز به بحث و بررسی داشته باشد.

در عین حال ما در گزینش آیاتی به‌عنوان آیات مشکل، معیارهای ویژه‌ای مد نظر داشتیم که عبارتند از:

۱. آیاتی که دست‌یابی به مفهوم متعالی آن‌ها احتیاج به اندیشیدن دارد و راجع به آن‌ها نظریه‌های گوناگونی ابراز شده است و در حوزه بحث‌های علوم قرآنی، کلامی، تاریخی و مانند آن‌هاست. مانند آیات مربوط به لوح محفوظ، عالم ذر، آیات متشابه، رؤیت خدا، عصمت پیامبران، حقیقت وحی، رجعت و مانند آنها.

۲. آیاتی که با برخی از آیات دیگر و یا برخی از مسائل مسلم و پذیرفته شده، به ظاهر متعارض می‌نماید. مانند: آیات مربوط به آفرینش آسمان‌ها و زمین در شش یا هشت روز، آیات مربوط به آزر بت‌پرست که پدر ابراهیم معرفی شده‌است و مانند آن‌ها.

۳. آیاتی که امروز غربی‌ها و جامعه‌های روشن‌فکری از آن‌ها برداشت‌هایی مغایر با ضرورت‌های اسلامی می‌کنند و یا درباره آن‌ها شبهاتی را مطرح می‌کنند، مانند آیه: *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ* (بقره/۶۲) که آن را حمل بر پلورالیسم و کثرت‌گرایی دینی می‌کنند، آیات مربوط به حقوق زنان، آیات مربوط به ازدواج پیامبر(صلی‌الله‌علیه و آله) با زینب (احزاب/۳۷) و مانند آن‌ها. آیاتی که در آن‌ها برخی از معجزه‌های خاص بیان شده و نظرات گوناگونی در توجیه آن‌ها وجود دارد. مانند تکلم حضرت عیسی در کودکی، ماندن حضرت یونس در شکم ماهی، شق-القمر و مانند آن‌ها.

گزینش آیات بر اساس چنین معیارهایی بوده است، ولی بنای ما بر آن نبوده که همه آیاتی را که این معیارها را داد در این کتاب بیاوریم، بلکه نمونه‌هایی از آن‌ها را که به نظر ما بحث‌بیش‌تری لازم داشت، مطرح کردیم.

در این جا این پرسش مطرح می‌شود که در چندین آیه از قرآن تأکید شده که خداوند قرآن را آسان قرار داده است، مانند: *وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ* که چهار بار در سوره قمر تکرار شده است^۱ و نیز آیه: *فَأَنمَّا يَسِّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ* (دخان/۵۸).

۱. آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰. این آیه در سوره قمر هر بار پس از ذکر یکی از امت‌های پیشین که پیامبر خود را تکذیب کردند و خدا بر آنان بلا نازل کرد، تکرار شده که در این جهت قابل تأمل و بررسی است.

با توجه به این آیات چگونه می‌توان بعضی از آیات قرآن را مشکل نامید؟
مرحوم علامه طباطبائی درباره این آیات بیانی دارد که خلاصه‌اش چنین است: ممکن است منظور، تنزیل حقائق عالی و بالاتر از فهم عادی، به مرحله تکلیم عربی باشد که سبب درک آن حقائق پس از تدبر و تعقل می‌شود. چنان‌که در آیه دیگر می‌فرماید: **إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** (زخرف/۳).

بیان ایشان بیان روشنگری است و منظور از آسان‌سازی قرآن همان ریختن حقائق والا در قالب الفاظ است، که برای مردم هرچند با تدبر و اندیشیدن قابل فهم باشد و می‌بینیم خود قرآن مردم را به تدبر و تعقل در آیات قرآنی دعوت کرده و تقسیم آیات به محکمت و متشابهات (آل عمران/۶) نیز در همین جهت است.

شیوه‌های فهم آیات قرآنی

برای فهم درست آیات قرآنی به‌خصوص آیات مشکل آن، راه‌هایی وجود دارد که بعضی از آن‌ها بدین قرار است:

۱. بررسی مفردات آیه و دقت در ساختار صرفی و نحوی آیه در این باره می‌توان با توجه به سیاق آیه و بررسی موارد مشابه در آیات دیگر و نیز مراجعه به کتب لغت و ادبیات و به‌ویژه کتاب‌هایی که در این خصوص نوشته شده، مانند مجازات القرآن و تلخیص‌البیان از سید رضی، مفردات القرآن از راغب اصفهانی، التحقیق فی الکلمات القرآن از مصطفوی و مانند آن‌ها به نتایج خوبی رسید و باید علاوه بر معانی حقیقی کلمات، به معنای مجازی آن‌ها هم که در قرآن فراوان به‌کار رفته، توجه کرد.

بعضی‌ها برای فهم یک واژه قرآنی توصیه می‌کنند که موارد استعمال آن در اشعار جاهلی بررسی شود، هم‌چنین بسیاری از مفسران هم به اشعار شعرای اسلامی استناد می‌کنند. به نظر ما این دو روش هرچند مفیدند، ولی با اشکالاتی همراهند. درباره اشعار جاهلی می‌گوییم که قرآن کریم برخی از کلمات را در معانی جدیدی به کار برده، که در عصر جاهلی در آن معنا به کار نمی‌رفت، مانند صلاة، زکات، جهاد، انفاق، عبادت و... که در علم اصول به این‌ها حقیقت شرعی یا متشرعه گفته می‌شود. با توجه به این مطلب، چه تضمینی وجود دارد لفظی که در شعر جاهلی در یک معنا به کار می‌رفته در قرآن هم به همان معنا باشد؟

در مورد استناد به اشعار شعرای اسلامی که فراوان در تفاسیر دیده می‌شود، می‌گوییم: ادبیات عرب پس از نزول قرآن به‌شدت متأثر از قرآن است و ادبیات قرآنی تسلط قهاری بر ادبیات عربی از شعر و نثر دارد. بنابراین، شعری که بعد از قرآن و با تأثر شدید از آن سروده شده چگونه می‌تواند مستند فهم یک واژه قرآنی باشد؟ فقط می‌توان گفت که آن

شاعر این واژه را چنین فهمیده است.

البته ما استشهاد به اشعار جاهلی یا اسلامی را به‌طور کلی نفی نمی‌کنیم و می‌توان برای تقریب ذهن مخصوصاً برای مبتدیان به آن استناد کرد، ولی نمی‌توان آن‌ها را فصل‌الخطاب دانست.

۲. استفاده از آیات دیگر و تفسیر قرآن به قرآن

بیش‌تر مفسران از این شیوه فراوان استفاده کرده‌اند، اما کسانی هم هستند که این روش را نامطلوب می‌دانند^۱ و آن را نوعی استنباط شخصی از قرآن به‌شمار می‌آورند، که برای توجیه فهم خود از یک آیه به آیه دیگری استناد می‌کند، در حالی که ممکن است آن آیه اصلاً ناظر بر آیه مورد نظر نباشد و این را نوعی «ضرب‌القرآن بعضه علی بعض» می‌دانند که در روایت‌های ما بسیار نکوهش شده است.^۲

می‌گوییم: منظور از «ضرب‌القرآن بعضه علی بعض» تفسیر قرآن به قرآن نیست، بلکه با بررسی مجموع روایات این موضوع که هم از طریق اهل بیت و هم از طریق اهل سنت نقل شده است، به خوبی روشن می‌شود که این روایات در مقابله با کسانی است که برای لطمه زدن به قرآن آیاتی را از قرآن کریم استخراج می‌کردند و می‌گفتند: این آیات با هم متناقضند، به چند نمونه از این روایات توجه کنید:

۱. عن رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قال: انَّ القرآنَ لم یَنزَلْ لِیُکذَّبَ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ لَکِن نَزَلَ لِیُصَدِّقَ بَعْضُهُ بَعْضًا.^۳ و در

روایت دیگر فرمود: انما نزل کتاب الله لیُصدِّقَ بَعْضُهُ بَعْضًا فلا تُکذِّبوا بَعْضُهُ بِبَعْض.^۴

۲. امیرالمؤمنین می‌فرماید: انَّ الکتابَ یُصدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ اِنَّهُ لا اِختلافَ فیهِ. فَقالَ سُبْحانَهُ: وَ لو کانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّهِ لَوَجَدُوا فیهِ اِختِلافًا کَثیرًا (نساء/۹)^۵

ملاحظه می‌فرمایید که این روایات دقیقاً ناظر بر کار ناپسند گروهی است که هدفشان پیدا کردن آیات به ظاهر متعارض و ردّ و تکذیب قرآن بود، مسلماً این کار ربطی به تفسیر قرآن به قرآن ندارد.

۱. عمده‌ترین مخالفان تفسیر قرآن به قرآن، اخباری‌ها هستند، که ظواهر قرآن را حجت نمی‌دانند. مرحوم شیخ انصاری در این باره بحث مفصلی در فرائد‌الاصول در باب حجیت ظن دارد.

۲. عن ابی عبدالله (علیه‌السلام) قال قال لی ابی: ما ضرب رجل القرآن بعضه ببعض الا کفر (معانی‌الاخبار، ص ۱۹۰) شیخ صدوق پس از نقل این حدیث می‌گوید: از محمدبن حسن (استاد شیخ صدوق) معنای این حدیث را پرسیدم، گفت: هو ان یجیب الرجل فی تفسیر آیه بتفسیر آیه اخری.

۳. الدر المنثور، ج ۲، ص ۶.

۴. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۳۰.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.



از این گذشته ما در روایات متعددی می‌بینیم که خود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و معصومین (علیهم‌السلام) در تفسیر برخی از آیات، این روش را به کار برده‌اند، مانند:

۱. به طوری که پیش از این هم نقل کردیم، پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تفسیر کلمه «ظلم» با استناد به آیه دیگر توضیح داد، که منظور از ظلم شرک است.^۱

۲. امیرالمومنین (علیه‌السلام) در تفسیر آیه: وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا (احقاف/۱۵) با استناد به آیه وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ (لقمان/۱۴) چنین نتیجه گرفت که اقل حمل شش ماه است.^۲

۳. امام باقر (علیه‌السلام) در تفسیر آیه فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ (نساء/۱۰۱) با استناد به آیه فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا (بقره/۱۵۸) که مربوط به وجوب سعی میان صفا و مروه است، بر وجوب قصر خواندن نماز برای مسافر تأکید کرد.^۳

البته مسلم است که تفسیر قرآن به قرآن برای خود مبانی خاصی دارد که از جمله آن‌ها واضح بودن رابطه آیه مقصد، با آیه مبدأ است.

۳. استفاده از روایات تفسیری

بدون شک روایات تفسیری ابزار مهمی برای فهم قرآن است. اگر روایات صحیحی از حضرات معصومین داشته باشیم و مفهوم روشن و شفافی داشته باشد، با اطمینان و آرامش آن را مستند فهم خود قرار می‌دهیم. هم‌چنین روایاتی که از صحابه و تابعین درباره تفسیر یک آیه نقل شده و آن‌ها نظر خود را بیان کرده‌اند، می‌تواند مؤید خوبی برای ترجیح آن معنا باشد. چون آن‌ها به عصر نزول نزدیک‌ترند.

متأسفانه بسیاری از روایات تفسیری که از پیامبر و ائمه نقل شده، از نظر سند چندان قوتی ندارند و گاهی راویانی آن‌ها را نقل کرده‌اند که موثق نبوده‌اند و آثار جعل در آن‌ها مشهود است و حتی برخی از روایات تفسیری از افراد غالی و کذاب نقل شده است. مثلاً در طریق بعضی از روایات تفسیری ما، کسانی مانند احمد بن محمد سیاری که در کتب رجال، او را ضعیف‌الحديث فاسد‌المذهب، غالی و منحرف^۴ شمرده‌اند و یا جعفر بن محمد الفزازی که به گفته ابن

۱. مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۱۰۰.

۲. طبری، جامع‌البیان، ج ۲۵، ص ۱۳۱.

۳. وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۵۳۸.

۴. معجم رجال‌الحديث، ج ۳، ص ۷۱-۷۲.



غضائری تمام عیوب ضعفا در او جمع است،^۱ وجود دارند.

جای تأسف است که روایات تفسیری ما تنقیح نشده است، همتی می‌خواهد که این روایات هم مانند روایات فقهی تنقیح شود و صحت و سقم روایات، با بررسی وضعیت راویان آن‌ها روشن شود و غث و ثمین از هم متمایز گردد. روایات تفسیری اهل سنت هم وضعیتی به مراتب اسف‌بارتر دارد، چون علاوه بر نقل از راویان ضعیف و مجهول، بسیاری از روایات اسرائیلی هم در آن‌ها نقل شده، روایاتی که افرادی مانند کعب‌الاحبار آن‌ها را وارد فرهنگ اسلامی کرده‌اند.

۴. تدبّر

یکی دیگر از ابزار فهم آیات قرآنی، تدبّر است و آن اندیشیدن درباره مفهوم آیه و توجه به مفاهیمی است که احیاناً در پشت الفاظ قرار دارند. راهیابی به آن معانی و حضور در خلوت قرآن با تدبّر درست امکان‌پذیر است.

قرآن خود در مواردی بر تدبّر در آیات قرآن تأکید دارد:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (ص/ ۲۹)
أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد/ ۲۴)

البته تدبّر شرایطی دارد که مهم‌ترین آن‌ها سرسپردگی به قرآن و دوری از هرگونه تفسیر به رأی است. شناخت مرز میان تدبّر و تفسیر به رأی، شرط اول استفاده از تدبّر می‌باشد.

تدبّر باید بر اساس آشنایی با فرهنگ و زبان قرآن و توجه به دلالت سیاق و شناخت کنایه‌ها، استعاره‌ها، مجازها و موضوعاتی از این قبیل صورت گیرد و در عین حال هیچ‌گاه نباید به یافته‌های خود حتمیت بدهیم، بلکه همواره باید با قید احتیاط گام برداریم.

چکیده

در عصر نزول قرآن کریم، مخاطبان آن چندان مشکلی در فهم آیات نداشتند. در قرون بعدی، فهم برخی از تعبیرات قرآنی برای گروهی مشکل بود و با شبهه‌افکنی‌های مخالفان اسلام، روزبه‌روز بر دایره آن افزوده می‌شد.

سه عامل: ۱- دوری از عصر نزول قرآن، ۲- بالا رفتن سطح اندیشه‌ها، ۳- تغییر ارزش‌ها برای فهم درست معنای برخی از آیات، نیازمند به تحقیق و بررسی بیش‌ترند.

گزینش آیات مشکله بر اساس معیارهای ذیل است:

۱. رجال ابن غضائری، ص ۴۷. نجاشی هم او را فاسدالمذهب خوانده و متهم به وضع حدیث کرده است. رجال‌النجاشی، ص ۱۲۲.



آیاتی که دستیابی به مفهوم متعالی آن‌ها احتیاج به اندیشیدن دارد.

آیاتی که با برخی از آیات دیگر و یا برخی از مسائل مسلم و پذیرفته شده، به ظاهر متعارض می‌نمایند.

آیاتی که امروز غربی‌ها و جامعه‌های روشنفکری از آن‌ها برداشت‌هایی مغایر با ضرورت‌های اسلامی می‌کنند و یا درباره آن‌ها شبهاتی را مطرح می‌کنند.

برای فهم درست آیات قرآنی:

۱. بررسی مفردات آیه و دقت در ساختار صرفی و نحوی آیه؛

۲. استفاده از آیات دیگر و تفسیر قرآن به قرآن؛

۳. استفاده از روایات تفسیری؛

۴. تدبّر لازم است.

